

تحلیل موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان بیشه‌سر بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر)

زهرا شریفی‌نیا* - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

چکیده

توجه به مشارکت و تأکید بر نقش آن یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی شناخته شده است، زیرا مشارکت زمینه را برای افزایش کارایی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و کیفیت تصمیم‌گیری برای مناطق روستایی فراهم می‌کند. بنابراین، برای دستیابی به توسعه روستایی نیازمند مشارکت مردم در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی هستیم. هدف از این پژوهش تحلیل موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی در دهستان بیشه‌سر بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر است. نوع تحقیق براساس هدف کاربردی و از جهت روش توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش‌های اسنادی و میدانی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری و مدل واس پاس بهره گرفته شد. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای نشان داد میانگین معیارهای موانع اقتصادی-مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی و اطلاعاتی در توسعه روستایی بیشتر از مقدار میانگین نظری مطلوب است. مقادیر میانگین موانع مشارکت محلی (محیط اجتماعی، اقتصادی، فردی، نهادی، و اطلاعاتی و ارتباطی) در خوشه دوم بیشتر از خوشه اول است. بنابراین، جدول ANOVA نشان داد که براساس میزان معناداری، موانع محیط اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، فردی و شخصیتی، نهادی و اطلاعاتی و ارتباطی با سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ بیشترین نقش را در جداسازی خوشه‌ها دارد. همچنین، نتایج خروجی مدل WASPAS نشان داد که موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی در روستای بالافراکتی نسبت به سایر روستاها شدیدتر و در روستای پاشاکلافراکتی نیز موانع ذکرشده از شدت کمتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: توسعه، توسعه روستایی، مشارکت، دهستان بیشه‌سر بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر

مقدمه

نتایج سال‌ها تجربه نظام تمرکزگرا نشان می‌دهد در ایران بدون توجه به مشارکت مردمی سرمایه‌های ملی اعم از مادی و معنوی و امکانات دولتی هدر رفته و در نهایت نارضایتی روستائیان از دولت و فعالیت‌های عمرانی، ناتمام ماندن برخی طرح‌های عمرانی، عدم موفقیت و مداومت در اجرای برخی طرح‌ها، و عدم مسئولیت‌پذیری افراد سرپرست را در پی داشته است (عنابتانی، ۱۳۹۲: ۱۹۸). در مشارکت عمومی به مردم این فرصت داده می‌شود که در ساختن آینده و تعیین سرنوشت خود سهیم و شریک شوند. چون زمانی که مردم احساس کنند خود عملاً و مستقیماً در برنامه و امور جامعه دخالت داشته و در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها، و حل مسائل و مشکلات جامعه خود نقش دارند مسلماً تعهد و دلبستگی وافر در قبال حیات اجتماعی احساس خواهند کرد (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۵). بنابراین، هم‌زمان با تکامل و اصلاح نگرش به مفهوم توسعه، اصل مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه اهمیت بیشتری یافته است؛ به عبارت دیگر، تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی از این جهت است که توسعه بیش از همه بر انگیزش و یادگیری متکی است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد (میسرا، ۲۰۰۵: ۲۳). بر همین اساس، برنامه‌ریزی توسعه به‌طور جدی به دموکراسی در اهداف و روش‌ها وابسته خواهد بود. برنامه‌های ملی مسئولیت مشترک سازمان‌ها و نهادهایی است که بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و، از سوی دیگر، هر چه مشارکت مردم عادی و گروه‌های ذی‌نفع از قبیل نهادهای صنفی یا احزاب سیاسی در تهیه و اجرای برنامه‌ها افزایش یابد برنامه‌ریزی آن‌ها معنادارتر است. بر این اساس، نظام برنامه‌ریزی توسعه باید به گونه‌ای طراحی شود که حجم گسترده‌ای از مشارکت را در کلیه سطوح داشته باشد. مشارکت مورد نظر فقط به دوره طراحی برنامه مربوط نمی‌شود، بلکه هم مراحل مطالعات، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، ارزیابی، تأمین منابع، اجرا، نظارت، و ارزشیابی را دربر می‌گیرد (علی‌بیگی و خانی، ۱۳۹۴: ۲۹). مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی‌های محلی می‌تواند به تمرکززدایی منجر شود و از محدودیت‌های برنامه‌ریزی بالا به پایین بکاهد (برقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۳). پس برای اینکه برنامه‌ها و هزینه‌های انجام‌گرفته در روستاها به توسعه منجر شود، باید نیازها و خواسته‌های روستائیان شناسایی شود و آن‌ها را در اجرای امور مشارکت داد؛ زیرا از یک سو مشارکت روستائیان موجب تقویت مؤسسات روستایی و سازمان‌های اجتماعی، که فرایند توسعه را تسهیل می‌کنند، خواهد شد و از سوی دیگر موجب به‌کارگیری توانایی و استعدادها و روستائیان در جهت توسعه ملی و نگاهداشت جمعیت روستاها و کاستن نابرابری‌های منطقه‌ای خواهد گردید (سرور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۹). هدف از این پژوهش تحلیل موانع مشارکت مردم محلی در دهستان بیشه‌سر بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر است و به دنبال این سؤال کلیدی است: مهم‌ترین موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستاهای منطقه مورد مطالعه کدامند؟

مبانی نظری

در باره واژه مشارکت و معنای لغوی آن بحث‌های فراوانی شده است؛ ولی در مجموع می‌توان معنی اصلی آن را درگیری، فعالیت، و تأثیرپذیری دانست (علوی‌تبار، ۱۳۸۲: ۱۵). مشارکت مردم به معنای همکاری داوطلبانه و آزادی آن‌ها در فرایند توسعه است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۷: ۲). مشارکت اجتماعی به‌طور اخص به مفهوم شرکت آگاهانه، خودانگیخته، ارادی، و قصدمند افراد و گروه‌ها در امور اجتماعی جامعه و به‌منظور سهیم‌شدن در کارها، تسریع، و تسهیل اجرای امور جامعه و کمک به اهداف توسعه اجتماعی است (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۵). مشارکت مردم در روند توسعه از چنان اعتباری برخوردار است که توسعه را معادل مشارکت دانسته‌اند. مشارکت فرایند تصمیم‌گیری و حل مشکل است و درباره افراد و گروه‌هایی به کار می‌رود که منافع، علایق، تخصص، و دیدگاه‌های مختلف دارند و برای نفع‌رساندن به کسانی کار می‌کنند

که تصمیم‌ها و اقدامات بعدی‌شان بر آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود (سپریسیرساک، ۲۰۰۹: ۴۰۶). هم‌زمان با تکامل و اصلاح نگرش به مفهوم توسعه، اصل مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه اهمیت بیشتری یافته است. به عبارت دیگر، تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی از این جهت است که توسعه بیش از همه بر انگیزش و یادگیری متکی است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد. بر همین اساس، برنامه‌ریزی توسعه به‌طور جدی به دموکراسی در اهداف و روش‌ها وابسته خواهد بود. برنامه‌های ملی مسئولیت مشترک سازمان‌ها و نهادهایی است که بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و، از سوی دیگر، هر چه مشارکت مردم عادی و گروه‌های ذی‌نفع از قبیل نهادهای صنفی یا احزاب سیاسی در تهیه و اجرای برنامه‌ها افزایش یابد توسعه آن‌ها معنادارتر است. بر این اساس، نظام برنامه‌ریزی توسعه باید به گونه‌ای طراحی شود که حجم گسترده‌ای از مشارکت را در کلیه سطوح داشته باشد (علی‌بیگی و خانی، ۱۳۹۴: ۲۹). بنابراین، در دهه‌های اخیر مفهوم مشارکت به‌طور جدی‌تری در فرایند توسعه مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً، در چارچوب سیاست‌های بهداشتی و درمان روستایی، منظره افق‌های سلامت مشارکت افراد، جوامع، و گروه‌های ویژه در تعیین اولویت بهداشتی آن‌ها، به‌عنوان پایه‌ای برای برنامه‌ها و خدمات موفق برای حفظ سلامت آن‌ها، دنبال می‌شود. همچنین، در این سند آمده است: توانایی اجتماعی و ظرفیت جامع جهت برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های محلی برای جوامع به‌منظور بهبود و حفظ سلامت خود لازم است (پرستن و همکاران، ۲۰۰۹: ۱).

مشارکت جامعه در توسعه روستایی

اصطلاح مشارکت محلی عامل مهمی برای موفقیت و شکوفایی توسعه روستایی در نظر گرفته شده است (افووکو، ۲۰۱۱: ۱۳۲؛ نئومیر، ۲۰۱۲: ۴۹). از آنجا که جمعیت جهان در محیط‌های روستایی زندگی می‌کنند، بانک جهانی (۱۹۷۵) توسعه روستایی را استراتژی‌ای طراحی شده برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی یک گروه مشخص از افراد فقیر روستایی تعریف کرد (برون و چیکاگوم، ۲۰۱۷: ۱-۱۳). طبق گفته‌های فریبرز و رذوان (۲۰۰۹)، به‌طور واضح بدون مشارکت جامعه، هیچ مسئولیت‌پذیری، برنامه‌ریزی و توسعه به‌وجود نمی‌آید. مشارکت نقش مهمی در توسعه روستایی و همچنین ترویج تعاونی‌های روستایی و کشاورزی ایفا می‌کند. این اساساً در تلاش آژانس‌های بین‌المللی برای تقویت مشارکت مردم منعکس می‌شود (اللهادی، ۲۰۱۱: ۶۰). پس بحث توسعه روستایی بدون مشارکت و همیاری مردم امکان‌پذیر نیست، زیرا دولت به‌تنهایی از عهده‌چنین کاری ناتوان است. بنابراین، می‌توان گفت که مشارکت مسئله‌ای است که سراسر وجود توسعه را احاطه کرده است و بدون بحث توسعه بی‌معنی خواهد بود (مودسلی، ۲۰۱۵: ۳۴۱). در مفهوم توسعه روستایی، مشارکت اجتماعی شامل فرایند فعالی است که به‌موجب آن ذی‌نفع‌ها مسیر و اجرای پروژه‌های توسعه را تحت نفوذ دارند؛ نه اینکه فقط سهمی از سود پروژه را دریافت کنند؛ از این رو، مشارکت اجتماع یک اشتغال مؤثر و فعال برای افراد و گروه‌هاست که با آن می‌توانند وضعیت‌های دشوار را تغییر دهند و بر سیاست‌ها و برنامه‌هایی که کیفیت زندگی آن‌ها و دیگران را تعیین می‌کنند تأثیرگذار باشند (اسکینر، ۱۹۹۷: ۸۵). همچنین، در عملکرد توسعه، این احساس عمومی وجود دارد، در صورتی که مردم محلی در روند اجرای پروژه‌ها و برنامه‌ها مشارکت داشته باشند، معنی توسعه مفهوم پیدا می‌کند (موبیتا و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۳۸). به همین ترتیب، محققان و متخصصان توسعه از طرفداران مشارکت مردم محلی حمایت می‌کنند. ایده اصلی آن‌ها بر این عقیده است که باید به افراد فقیر برای شرکت در پروژه‌ها و برنامه‌هایی که در زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد توجه شود (منصوری و راثو، ۲۰۱۲: ۱۹). بنابراین، شرکت‌کردن افراد فقیر در برخی از جنبه‌های پروژه‌ها و برنامه‌ها می‌تواند به نتیجه بهتر بین ذی‌نفعان توسعه منجر شود (فاژا و آیینو، ۲۰۱۳: ۱۵۶). بنابراین، انتظار می‌رود افراد محلی در مداخلات توسعه قادر به تجزیه و تحلیل برنامه‌ریزی برای مشارکت در توسعه روستایی و اثرگذاری آن در زندگی خود باشند (کیلوو و فرومنس، ۲۰۱۵: ۶). برای مثال، چمبرز ادعا می‌کند مردم

روستایی طبقه‌ای از گروه خاصی از افراد هستند که ممکن است در مناطق روستایی محروم باشند و برای رهایی از محرومیت تلاش می‌کنند. استنباط به این ادعا در بیشتر اوقات منجر به مشارکت ساکنان روستایی می‌شود. توسعه روستایی در این مرحله می‌تواند به‌عنوان فرایند بهبود رفاه اقتصادی و کیفیت زندگی افراد مستقر در مناطق کم‌جمعیت و نسبتاً دورافتاده در هر جامعه خاص باشد (اونی، ۲۰۱۵: ۱۰۷۹). بانک جهانی (۲۰۰۰) مشارکت جوامع روستایی را به‌منظور استفاده بهینه از منابع موجود در روستا راهی اساسی در اجرای اولویت‌های توسعه پایدار روستایی برشمرده است. درواقع، یکی از ابزارهای نیل به توسعه پایدار روستایی را می‌توان تشکیل گروه‌های سازمان‌دهی شده مانند انجمن‌ها دانست (نجویه، ۲۰۰۱: ۱۰۸). چیرت و ماسلی بر آن‌اند که برای ارتقای مشارکت روستاییان در پروژه‌های توسعه روستایی به‌طور اعم و توسعه پایدار روستایی به‌طور اخص ابزارهای کلیدی مختلفی وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱. جلسات عمومی برای آماده‌سازی مردم جهت مشارکت؛ ۲. آموزش بزرگ‌سالان؛ ۳. ارزش‌یابی‌های محلی توسط روستائیان؛ ۴. نمایشگاه‌های مربوط به مسائل روستایی؛ ۵. رسانه‌ها و ارتباطات از راه دور (بهاگوونا و پندی، ۲۰۱۶: ۱۰-۱۴). رید مشارکت را فرایندی تلقی می‌کند که افراد، گروه‌ها، و سازمان‌ها از طریق آن نقش فعالی در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیماتی دارند که مستقیماً بر آن‌ها تأثیر گذارند (رید، ۲۰۰۸: ۲۴۱۸). علاوه بر این، مشارکت به‌عنوان فرایند دخالت مردم و تأثیرگذاری آن بر نتایج و دستاوردهای طرح‌ها و برنامه‌های مختلف تعریف شده است که این مشارکت در سه سطح طراحی برنامه، اجرا، ارزش‌یابی، و بررسی پیامدهای اجرایی برنامه یا طرح خاص مورد توجه قرار می‌گیرد (استیفانو، ۲۰۱۰: ۱۳۳۳). همچنین، میسرا مشارکت را رشد توانایی اساسی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل سنجیده و اندیشمندانه تعریف می‌کند (میرکزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۹). ارنستین (۱۹۶۹) بر آن است که عبارت «مشارکت» برای ساخت ظرفیت‌های محلی و خوداتکایی استفاده شده است. در عین حال، گسترش نظارت دولت و کشور را نیز تصدیق می‌کند (چیفامبا، ۲۰۱۳: ۲). علاوه بر اهمیت مشارکت محلی از دیدگاه صاحب‌نظران، از دیدگاه منفرد (۲۰۱۱) موانع مشارکت را می‌توان به شرح زیر نام برد: الف) موانع اجرایی مشارکت که شامل برنامه‌ریزی متمرکز است؛ ۲. ساز و کارهای نامناسب توزیع؛ ۳. فقدان هماهنگی محلی؛ ۴. نامناسب بودن فناوری طرح مورد نظر؛ ۵. محتوای نامربوط پروژه مورد نظر؛ ۶. فقدان ساختارهای محلی (نور، ۲۰۱۱: ۲۵). همچنین، لاهیجانیان و شبعه‌بیکی (۱۳۹۴) در تحقیق خود بیان می‌کنند که از شاخص‌های موانع مشارکت می‌توان به موانع فرهنگی شامل جهل، خودخواهی و خودمحوری، عدم کنجکاوی، عدم اعتماد، و احساس حقارت اشاره کرد. همچنین، می‌توان به موانع ساختاری به‌عنوان یکی دیگر از عوامل موانع مشارکت در توسعه اشاره کرد (لاهیجانیان و شبعه‌بیکی، ۱۳۹۴: ۱۵۰). شایان و همکاران (۱۳۹۰) عوامل بازدارنده مشارکت در توسعه روستایی را در مسائل خانوادگی، اقتصادی، و اجتماعی بیان کردند. همچنین، یزادن‌پناه (۱۳۸۶) بیان می‌کند که از مقوله‌های موانع مشارکت می‌توان به موانع خانوادگی، اقتصادی، جامعه، حکومت، نابسامانی فردی، و بی‌قدرتی اشاره کرد.

مشارکت جامعه وسیله است یا هدف؟

یکی از تمایزهایی که کارورزان توسعه روستایی قائل به آن‌اند این است که مشارکت جامعه را وسیله بدانیم یا هدف (اسکینر، ۱۹۹۷: ۹۵). مشارکت، به‌عنوان وسیله، به این معنی است که از مشارکت برای رسیدن به برخی اهداف از پیش تعیین‌شده استفاده کنیم. این موضوع راهی است برای تحت نظارت درآوردن منابع فیزیکی، اقتصادی، و اجتماعی مردم روستایی؛ به‌طوری‌که بتوان به‌طرز مؤثرتر، کارآمدتر، و ارزان‌تری به اهداف برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه نائل آمد؛ اما اگر مشارکت اجتماع به‌مثابه یک هدف فرض شود، به‌عنوان یک فرایند فعال، پویا، و اصلی که هدفش توسعه و تقویت ظرفیت‌های مردم روستایی برای مداخله مستقیم در توسعه است به آن نظر می‌شود (اسکینر، ۱۹۹۷: ۹۵). جدول ۱

تحلیلی مقایسه‌ای از مشارکت به‌مثابه وسیله یا مشارکت به مثابه هدف را ارائه می‌دهد. تمایزات بین این دو عقیده یا روشن و صریح‌اند یا مانع‌الجمع. این دو اهداف و رویکردهای متفاوتی برای افزایش توسعه مشارکتی ارائه می‌دهند. بسیاری از کارگزاران توسعه برای هر دو مفهوم ارزش یکسانی قائل‌اند. اما برخی از آن‌ها فقط بر روی یکی تأکید دارند. مثلاً، هیالری (۱۹۵۵) بر آن است که تا همین اواخر فرض کردن مشارکت به‌عنوان وسیله بر طرز کار توسعه روستایی حکم‌فرما بود. هرچند او قبول دارد که در نتیجه این راهبرد کم و بیش توسعه روستایی باصرفه انجام شده است، همچنان عقیده دارد که تعداد اندکی از پروژه‌های توسعه روستایی به مشارکت اجتماعی معنادار و سوددار دست یافته‌اند. از این نظر، این راهبرد به مشارکت معنادار مردم فقیر منجر نشده است. همچنین، ارنستین (۱۹۶۹) بر آن است که در مشارکت به‌مثابه وسیله مفهوم «اختیار دادن» محدودتر از وقتی است که مشارکت را هدف فرض می‌کنیم. درحالی‌که برآوردن نیازهای اساسی جامعه در اولویت پایین‌تری قرار گرفته است، پروژه‌های توسعه روستایی توسط اهداف اقتصادی جامع‌تر به جلو رانده می‌شوند. البته فقدان مشارکت اجتماع اغلب موجب ایجاد تله فقر جامعه شده است که خود باعث تشدید توسعه‌نیافتگی می‌شود (چیفامبا، ۲۰۱۳: ۳).

جدول ۱. تحلیل مقایسه‌ای مشارکت به‌مثابه وسیله یا مشارکت به‌مثابه هدف

هدف	وسيله
تلاش می‌کند به مردم قدرت ببخشد تا بیشتر مشارکت کنند.	بناگر استفاده از مشارکت در جهت رسیدن به اهداف و مقاصد از پیش تعیین شده است.
این رویکرد تلاش می‌کند نقش مردم را در توسعه روستایی افزایش دهد.	تلاش می‌کند از منابع موجود در جهت رسیدن به مقاصد پروژه‌ها یا برنامه‌ها استفاده کند.
تمرکز بر بهبود توانایی مردم برای مشارکت آن‌هاست نه صرفاً رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده پروژه.	تمرکز بیشتر بر رسیدن به اهداف است نه خود عمل مشارکت.
این دیدگاه نسبتاً توجه کمتری به نمایندگی‌های دولت نشان می‌دهد. کارگزاران توسعه روستایی اصولاً با این نقطه‌نظر موافقت می‌کنند.	در برنامه‌های دولت راجع است؛ یعنی در جایی که نگرانی اصلی بسیج کردن جامعه و درگیر کردن آن‌ها برای بهبود سیستم حمل است.
فرآیندی بلندمدت در نظر گرفته می‌شود.	مشارکت عمدتاً کوتاه‌مدت است.
نسبتاً فعال‌تر و بلندمدت است.	شکلی انفعالی از مشارکت است.

مأخذ: چیفامبا، ۲۰۱۳: ۳

بنابراین، اهمیت نقش مؤثر مردم و مشارکت آن‌ها در حرکت به سمت توسعه پایدار روستایی بر کسی پوشیده نیست و روشن است که برای حرکت به سمت توسعه‌ای پویا و پایدار که متعلق به مردم امروز و نسل‌های آینده باشد باید خود مردم از دسترسی به فواید توسعه احساس رضایت و عدالت کنند. همان‌ها هم باید تعیین کنند که ملاک موفقیت یا عدم موفقیت چیست (آفتاب و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۲). همچنین، در نگرش‌های نوین توسعه که بر توانمندسازی جامعه روستایی و مقوله‌های مشارکت و توسعه منابع انسانی تأکید می‌شود توسعه روستایی را می‌توان فرآیندی همه‌جانبه از تحولات رو به تکامل ساختارهای شکل‌دهنده زندگی روستایی نامید که به ارتقای سطح زندگی مادی و معنوی روستائیان با عنایت به مقوله پایداری منجر می‌شود (سروستانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). در پژوهش‌های مختلفی به بررسی مشارکت مردم در فرآیند توسعه روستایی و عوامل مؤثر بر آن در روستاهای کشور پرداخته شده است. اما درباره تحلیل موانع مشارکت در توسعه روستایی کمتر بررسی شده است. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

عنابتانی (۱۳۹۲)، در پژوهش خود با نام «بررسی عوامل فردی مؤثر بر مشارکت روستائیان در فرآیند اجرای طرح‌های هادی روستایی، مطالعه موردی: شهرستان خواف»، با روش توصیفی-تحلیلی و همبستگی (پیرسون) و جمع‌آوری داده‌ها براساس مطالعات میدانی و روش نمونه‌گیری (کوکوران) از سطح ۲۳۳ خانوار منطقه نمونه به این

نتیجه رسید که بین عوامل فردی مؤثر بر مشارکت و فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی ارتباط معنی‌دار و وضعیفی وجود دارد که براساس آن عوامل فردی مؤثر بر مشارکت فقط ۱۴ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین و توجیه می‌کند و در بین عوامل فردی فقط تأهل و تعداد فرزندان به میزان ۸ درصد بر روند اجرای طرح‌ها تأثیرگذار بوده است.

علی‌بیگی و خانی (۱۳۹۴)، در پژوهششان با نام «بررسی رابطه مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی، نمونه موردی: شهرستان‌های سیروان و چرداول»، با استفاده از روش اسنادی و میدانی، ۳۱۶ نفر از سرپرستان خانوار در شش روستای نمونه را مطالعه کردند و با تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آماره یومان ویتنی و ویلکاکسون به این نتیجه رسیدند که در مؤلفه مشارکت‌های سنتی - اجتماعی پنج شاخص از مجموع شش شاخص رابطه معناداری با توسعه روستایی نداشتند و در مؤلفه‌های مشارکت در امور سیاسی و مشارکت در امور اجرایی (از نوع مشارکت‌های جدید)، به غیر از یک شاخص، در همه شاخص‌های دیگر رابطه معنادار با توسعه روستاهای شهرستان‌های سیروان و چرداول مشاهده شده است.

اسدی و همکاران (۱۳۹۵)، در تحقیق خود با نام «نقش مشارکت در توسعه روستایی بخش خشکبیجار شهرستان رشت»، با استفاده از روش اسنادی، میدانی و ابزار پرسش‌نامه بر روی ۴۰۰ نفر از روستاییان در ۱۸ روستای نمونه و تحلیل داده‌ها با آزمون‌های ویلکاکسون، همبستگی اسپیرمن و کروسکال والیس به این نتیجه رسیدند که میزان مشارکت مردم نقش کلیدی در توسعه نواحی روستایی محدوده مورد مطالعه ایفا کرده است و متناسب با اندازه جمعیت روستاها، میزان مشارکت روستاییان بیشتر می‌شود. میل به مشارکت به‌ویژه مشارکت فکری، مشورتی، کاری، و فیزیکی در میان روستائیان در حد مطلوبی است و با افزایش توان اقتصادی روستائیان بخش خشکبیجار، بر میزان مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای روستاها افزوده خواهد شد. بی‌شک، انگیزه مشارکت در بین روستاییان بیش از هر چیزی به اقدامات فرهنگی و آگاهی‌بخشی به آن‌ها بستگی دارد.

جوما (۲۰۰۵) در پژوهش خود با نام «نقش مشارکت در تمرکز منطقه برای استراتژی برنامه‌ریزی توسعه روستایی در منطقه بوسیا در کینا»، با استفاده از روش میدانی در بازه زمانی ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۲، به این نتیجه رسید که روش برنامه‌ریزی از مرکز به پایین اثرات اندکی در توسعه روستایی داشته است. بنابراین، در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه در سطح منطقه نیاز به مشارکت جوامع محلی است و برای مشارکت مؤثر جوامع در برنامه‌ریزی DFRD سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به اصلاحات قانونی و اساسی برای شناسایی و ظرفیت‌سازی برنامه‌ها نیاز است.

کاکومبا (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با نام «مشارکت مردمی دولت محلی و توسعه روستایی، انعکاسی بر سیستم غیرمتمرکزسازی در اوگاندا» با استفاده از روش‌های اسنادی و میدانی به این نتیجه رسید که استراتژی‌های توسعه‌ای دولت مرکزی می‌باید از مشارکت بهره‌جوید تا مالکیت و توانمندی بالایی به‌دست آورند و به‌منظور درک اهداف اساسی غیرمتمرکزسازی و انجمن‌ها مشارکت در توسعه روستایی نیازمند تقویت نقش انجمن محلی در بسیج، مشارکت در برنامه‌ریزی، و انتخاب رهبران بدون دخالت دولت مرکزی است. بنابراین، مشارکت پیش از آنکه به بهبود منافع همگانی و کاهش فقر منجر شود، می‌بایست به توانمندسازی و کارآمدی تبدیل شود.

دری و کانیب (۲۰۱۲) در پژوهششان با نام «مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی روستایی در غنا» با استفاده از روش‌های اسنادی و میدانی و تکمیل پرسش‌نامه در سطح ۱۷۲ خانوار به این نتیجه رسیدند که کشورهای در حال توسعه با افزایش ناتوانی بخش کشاورزی مواجه‌اند. بنابراین، برای حمایت از معیشت روستایی، مشارکت در فعالیت‌های غیرکشاورزی ضروری است و با هدف بهبود معیشت روستایی باید مورد هدف قرار گیرد.

چتری (۲۰۱۳) در پژوهش خود با نام «مشارکت مردم در توسعه سکیم» با استفاده از مطالعات اسنادی به این نتیجه رسیده است که با توجه به اینکه هدف از مشارکت به دست آوردن شتاب در فرایند توانمندسازی انسان و همچنین شرط ضروری برای توسعه است، دانشمندان معاصر نیز باید به دفاع از مشارکت مردم در پروژه‌های توسعه بپردازند و شیوه‌های مشارکتی هنوز در مرحله نوپایی است و به نهادینه شدن نیاز دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس هدف کاربردی و براساس ماهیت توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن با استفاده از روش کتابخانه‌ای (به منظور تدوین مبانی نظری موضوع) و روش میدانی جمع‌آوری شده است. پس از مشخص شدن متغیرهای تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده جهت تکمیل پرسش‌نامه‌ها استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق خانوارهای هشت روستای واقع در دهستان بیشه‌سر بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر است که طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، این هشت روستا دارای جمعیتی برابر با ۴۴۰۱ نفر و ۱۴۶۶ خانوار می‌باشند. حجم نمونه برای جامعه آماری مذکور با استفاده از فرمول کوکران با مقدار خطای ۰/۰۷ درصد معادل ۱۸۸ مورد و واحد مورد پرسش سرپرست خانوار است، که با استفاده از روش تسهیم به نسبت تعداد نمونه‌ها در هر روستا تعیین شد. از دلایل انتخاب روستاها می‌توان این موضوع را بیان کرد که روستاهای دهستان بیشه‌سر نسبت به سایر روستاهای شهرستان قائم‌شهر از شرایط توسعه‌ای مناسبی برخوردار نیستند و براساس بررسی‌های مقدماتی و مصاحبه با دهیاران و رؤسای شورای اسلامی روستاها یکی از علل ضعف توسعه مشارکت ضعیف مردم در توسعه روستاها بیا شد. بنابراین، نگارنده در تحقیق حاضر بر آن اند که به تحلیل موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی دهستان بیشه‌سر بپردازد.

جدول ۲. تعداد جمعیت، خانوار، و تعداد نمونه در روستاهای مورد مطالعه

ردیف	دهستان بیشه‌سر بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر			تعداد پرسش‌نامه
	آبادی	جمعیت	خانوار	
۱	بالاافراکتی	۸۴۱	۲۷۹	۳۶
۲	پاشاکلاافراکتی	۳۶۷	۱۱۹	۱۶
۳	پایین‌افراکتی	۶۰۷	۲۰۷	۲۶
۴	مهدی‌آباد	۴۲۲	۱۵۰	۱۸
۵	پایین‌لموک	۵۰۷	۱۷۸	۲۲
۶	افراخت	۸۱۷	۲۵۸	۳۵
۷	شیخ‌رجه	۱۷۴	۵۹	۷
۸	لهرم‌تلوک	۶۶۶	۲۱۶	۲۸
جمع	۸	۴۴۰۱	۱۴۶۶	۱۸۸

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵

به منظور تعیین روایی پرسش‌نامه از اظهار نظر کارشناسان توسعه روستایی و استادان برنامه‌ریزی روستایی و برای برآورد پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که پایایی با ضریب ۰/۷۵۶ مبین مناسب بودن ابزار تحقیق بود. داده‌های جمع‌آوری شده با توجه به نوع سؤال تحقیق با روش‌های آماری مناسب (مانند t تک‌نمونه‌ای، تحلیل خوشه‌ای، تی دو نمونه مستقل، و مدل واس پاس) تجزیه و تحلیل شد.

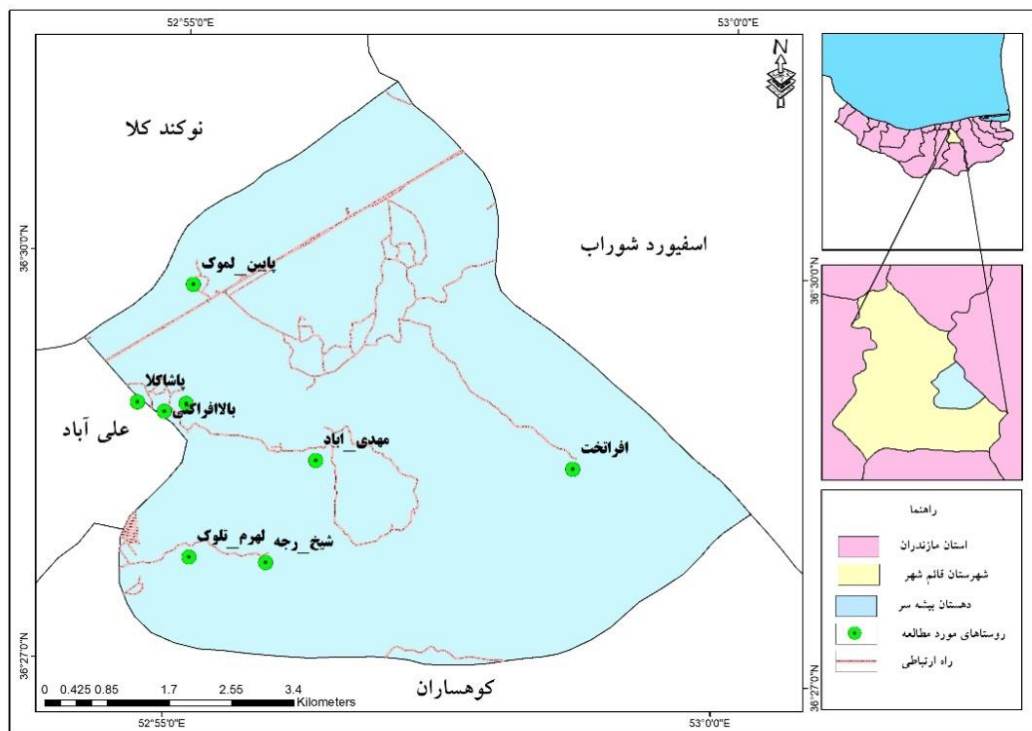
جدول ۳. مؤلفه و متغیرهای مورد استفاده در تحقیق

مؤلفه	متغیر	ضریب آلفای کرونباخ	مؤلفه	متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
	افزایش تنش‌های درون گروهی بین مردم محلی		پایین بودن سطح ریسک‌پذیری مدیریتی مردم محلی		
موانع محیط اجتماعی و فرهنگی	باورهای سنتی مذهبی	۰/۶۵۸	علاقه‌مندی پایین مردم محلی به پذیرش توسعه روستایی		
	حاکمیت فرهنگ مردم محلی		پایین بودن اعتماد به نفس		
	نگرانی از نگرش منفی اجتماعات در بین مردم محلی		نداشتن اقتدار مدیریتی در بحث‌های توسعه روستایی	موانع فردی و شخصیتی	۰/۷۵۶
	ناآگاهی از مفهوم مشارکت در طرح‌های توسعه روستایی		نفرت از برچسب‌ها و آسیب‌های اجتماعی (مانند اختلاس و پارتی‌بازی)		
	عدم استقلال مالی و اقتصادی مردم محلی		نداشتن دوراندیشی شغلی (آینده‌نگری)		
موانع اقتصادی-مالی	پایین بودن سطح ریسک‌پذیری اقتصادی مردم محلی	۰/۶۲۱	ترس از بازماندگی انجام‌دادن مسئولیت‌های خانواده (به دلیل مسافرت، مأموریت، و شرکت در جلسات)		
	پایین بودن حقوق و مزایای مردم		پایین بودن انگیزه افراد در کارهای اجرایی		
	چندمسئولیتی بودن مردم محلی		پایین بودن آگاهی و معلومات مردم محلی از نظر اجتماعی و مسائل جاری روستا		
	توجه نکردن مسئولان به انتظارات مردم محلی		پایین بودن آگاهی و معلومات مردم محلی از نظر علمی، حرفه‌ای، تخصصی، و اجرایی		
موانع نهادی و سازمانی	نگرش سنتی مدیران میانی و بالایی به توسعه روستا	۰/۷۲۱	نداشتن تجربه‌های کاری مشابه در محیط روستا	موانع اطلاعاتی و ارتباطی	۰/۶۲۳
	عدم حضور مردم در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها		نداشتن مهارت‌های ارتباط شغلی (بحث و مذاکره، رفع تعارض، و اداره جلسات)		
	نداشتن تشکل‌های اجتماعی و نهادی قوی و منسجم (ایجاد شبکه‌های دوستان کاری قوی)		ضعف در پذیرش چالش‌های روابط فراساختاری شرایط مدیریتی (مانند نداشتن وابستگی‌های سیاسی، گرایش فکری، و انجمن‌های اجتماعی)		
			ضعف شبکه‌های اطلاع‌رسانی در بخش اجرای طرح‌ها		

مأخذ: رومیانی و همکاران (۱۳۹۷)، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۲)، آفتاب و همکاران (۱۳۹۵)، شایان و همکاران (۱۳۹۰)، لاهیجانیان و شیعه‌بیک (۱۳۹۴)

منطقه مورد مطالعه

دهستان بیشه‌سر در بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر در استان مازندران قرار دارد. این دهستان بین ۳۶ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۵۳ درجه و ۲ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. این دهستان از شمال غرب با دهستان نوکندکلا، از شمال شرق با دهستان اسفیورد شوراب، از غرب با دهستان علی‌آباد، و از جنوب با دهستان کوهساران همسایه است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، این دهستان مشتمل بر روستاهای بالاافراکتی، پاشاکالافراکتی، پایین‌افراکتی، مهدی‌آباد، پایین لموک، افراخت، شیخ رجه، و لهرم تلوک و جمعیتی بالغ بر ۴۴۰۱ نفر (۲۱۵۴ نفر زن و ۲۲۴۷ نفر مرد) و ۱۴۶۶ خانوار است (دفتر آمار و اطلاعات استانداری استان مازندران، ۱۳۹۸).



شکل ۱. نقشه منطقه مورد مطالعه
 مأخذ: نگارنده با استفاده از پایگاه اطلاعات نقشه برداری کشور، ۱۳۹۸

بحث و یافته‌ها

در این تحقیق، از مجموع ۱۸۸ نفر حجم نمونه ۱۵۹ نفر مرد (۸۴٫۶ درصد)، ۲۹ نفر زن (۱۵٫۴ درصد)، ۹۴ نفر متأهل (۵۰٫۵ درصد)، ۹۴ نفر مجرد (۵۰٫۵ درصد) بودند. سن پاسخ‌گویان در پنج گروه بررسی شد. ۵/۹ درصد (۱۱ نفر) بین ۲۱-۳۰ سال، ۱۱/۷ درصد (۲۲ نفر) بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۴/۷ درصد (۸۴ نفر) بین ۴۱-۵۰ سال، و ۳۷/۸ درصد (۷۱ نفر) بالاتر از پنجاه سال سن داشتند. همچنین، از نظر وضعیت تحصیلی، از ۱۸۸ نفر حجم نمونه، ۱۴/۴ درصد (۲۷ نفر) سواد خواندن و نوشتن، ۱۴/۴ درصد (۲۷ نفر) تحصیلات ابتدایی، ۳۹/۹ درصد (۷۴ نفر) تحصیلات دبیرستان، ۱۱/۲ درصد (۲۱ نفر) تحصیلات فوق دیپلم، و ۱۱/۲ درصد (۳۹ نفر) تحصیلات لیسانس داشتند. از نظر شغل، ۵۶/۴ درصد (۱۰۶ نفر) خانه‌دار، ۴/۸ درصد (۹ نفر) دامدار، ۲۲/۳ درصد (۴۲ نفر) شغل آزاد، و ۱۶/۵ درصد (۳۱ نفر) دارای شغل دولتی بودند. از نظر تعداد افراد خانوار حدود ۱/۱ درصد (۲ نفر) دو نفر؛ ۱۹/۷ درصد (۳۷ نفر) بین ۳ تا ۴ نفر، ۵۴/۸ درصد (۱۰۳ نفر) بین ۵ تا ۷ نفر، و ۲۴/۵ درصد (۴۶ نفر) بیش از ۷ نفر بودند (جدول ۴).

در ادامه تحقیق به بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق پرداخته شد. بنابراین، به منظور بررسی نرمال بودن توزیع صفات متغیرهای مذکور از خطای استاندارد ضرایب چولگی و کشیدگی استفاده شد. بدین صورت که اگر مقدار این خطا کوچک‌تر از ۲- یا بزرگ‌تر از ۲+ باشد، در آن صورت فرض نرمال بودن توزیع رد می‌شود (حبیب‌پور گتایی و صفری شالی، ۱۳۹۴: ۱۹۱). همچنین، چنانچه ضرایب چولگی و کشیدگی بین ۱/۵- و ۱/۵+ باشد، توزیع شاخص‌های تحقیق نرمال است (جدول ۵). بنابراین، با توجه به آنچه در جدول مذکور قابل مشاهده است همه متغیرها دارای توزیع نرمال اند.

جدول ۴. اطلاعات توصیفی پاسخ‌گویان

گروه‌ها	متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
تاهل	مجرد	۹۴	۵۰	۵۰
	متاهل	۹۴	۵۰	۱۰۰
جنس	مرد	۱۵۹	۸۴٫۶	۸۴٫۶
	زن	۲۹	۱۵٫۴	۱۰۰
سن	۲۱-۳۰	۲۲	۵٫۹	۵٫۹
	۳۱-۴۰	۲۲	۱۱٫۵	۱۷٫۶
	۴۱-۵۰	۸۴	۴۴٫۷	۶۲٫۳
	بالتر از ۵۰	۷۱	۳۷٫۷	۱۰۰
تحصیلات	خواندن و نوشتن	۲۷	۱۴٫۴	۱۴٫۴
	ابتدایی	۷۴	۳۹٫۹	۵۴٫۳
	دیپلم	۲۱	۱۱٫۲	۶۶٫۲
	فوق دیپلم	۲۱	۱۱٫۲	۷۷٫۴
	لیسانس	۳۹	۱۱٫۲	۱۰۰
	خانهدار	۱۰۶	۵۶٫۴	۵۶٫۴
	دامداری	۹	۴٫۸	۶۱٫۲
	آزاد	۴۲	۲۲٫۳	۸۳٫۵
	دولتی	۳۱	۱۶٫۵	۱۰۰
	۲ نفر	۲	۱٫۱	۱٫۱
تعداد افراد خانوار	۳ تا ۴ نفر	۳۷	۱۹٫۷	۲۰٫۸
	۵ تا ۷ نفر	۱۰۳	۵۴٫۸	۷۵٫۶
	بیش از ۷ نفر	۴۶	۲۴٫۴	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

جدول ۵. نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

نتیجه آزمون	چولگی		کشیدگی		شاخص
	خطا	ضریب	خطا	ضریب	
Skewness & Kurtosis	خطا	ضریب	خطا	ضریب	
تأیید نرمال بودن	۰٫۳۵	-۰٫۰۴	۰٫۱۸	۰٫۲۰	موانع محیط اجتماعی و فرهنگی
تأیید نرمال بودن	۰٫۳۵	۰٫۹۷	۰٫۱۸	-۰٫۸۵	موانع اقتصادی- مالی
تأیید نرمال بودن	۰٫۳۵	-۰٫۳۹	۰٫۱۸	-۰٫۱۲	موانع فردی و شخصیتی
تأیید نرمال بودن	۰٫۳۵	-۰٫۲۳	۰٫۱۸	-۰٫۳۶	موانع نهادی و سازمانی
تأیید نرمال بودن	۰٫۳۵	۰٫۱۶	۰٫۱۸	-۰٫۰۳	موانع اطلاعاتی و ارتباطی

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

برای ارزیابی موانع مشارکت مردم محلی روستاهای منطقه مورد مطالعه، به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسش‌نامه اقدام شد. در مرحله اول، از طریق آزمون t تک‌نمونه‌ای به بررسی و تحلیل معناداری تفاوت میانگین‌ها پرداخته شد که موانع مشارکت مردم محلی در پنج عامل محیط اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی- مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی و اطلاعاتی و ارتباطی بررسی شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد میانگین عددی حاصل از محاسبه موانع مشارکت مردم محلی در بین پاسخ‌گویان مبین بالابودن مقادیر میانگین به‌دست‌آمده از حد متوسط (میانۀ

نظری یا ارزش ۳) در چهار عامل (اقتصادی- مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی، و اطلاعاتی و ارتباطی) از مجموع پنج عامل مورد بررسی است. همچنین، تفاوت معناداری به دست آمده در سطح ۰/۰۵ نشان می‌دهد همه عوامل با میزان ضریب معناداری (sig) کمتر از ۰/۰۵ معنادارند. در مجموع، با توجه به نتایج حاصل از آزمون تی تک‌نمونه می‌توان بیان کرد که موانع اقتصادی- مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی، و اطلاعاتی و ارتباطی در روستاهای مورد مطالعه به‌عنوان مهم‌ترین موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی هستند.

جدول ۶. بررسی میانگین متغیر موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی (آزمون T تک‌نمونه‌ای)

شاخص	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	معناداری	اختلاف از	از ۹۵٪ اختلاف از فاصله اطمینان
						میانگین	پایین تر بالاتر
موانع محیط اجتماعی و فرهنگی	۲/۴۶	۰/۲۶	-۲۸/۴۳	۱۸۷/۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۵۴	-۰/۵۸
موانع اقتصادی- مالی	۴/۵۶	۰/۳۷	۵۷/۴۹	۱۸۷/۰۰	۰/۰۰۰	۱/۵۶	۱/۵۱
موانع فردی و شخصیتی	۳/۸۹	۰/۲۸	۴۳/۸۲	۱۸۷/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۹	۰/۸۵
موانع نهادی و سازمانی	۴/۵۳	۰/۲۸	۷۵/۹۲	۱۸۷/۰۰	۰/۰۰۰	۱/۵۳	۱/۴۹
موانع اطلاعاتی و ارتباطی	۴/۵۴	۰/۲۲	۹۶/۳۴	۱۸۷/۰۰	۰/۰۰۰	۱/۵۴	۱/۵۰

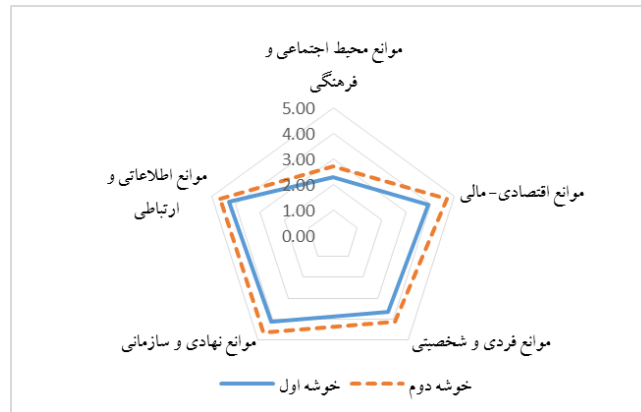
مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

برای دسته‌بندی آرای پاسخ‌گویان در زمینه موانع مشارکت مردم محلی از تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است. تحلیل خوشه‌ای یک روش چندمتغیری است که هدف آن طبقه‌بندی یک نمونه از آزمودنی‌ها یا اشیا براساس مجموعه‌ای از متغیرهاست که نتیجه آن تشکیل گروه‌هایی با اعضای مشابه است. دلیل اصلی استفاده از تحلیل خوشه‌ای، تشکیل گروه‌هایی از افراد در واحدهای مشابه به نام خوشه است. هدف این است که زیرگروه‌های همگن از آرای پاسخ‌گویان در زمینه موانع محیط اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی- مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی، و اطلاعاتی و ارتباطی را در بین افراد نمونه در روستاهای مورد مطالعه شناسایی کنیم. در این تحلیل از روش خوشه‌بندی K-Means استفاده شده است. براساس جدول ۷، مراکز نهایی خوشه‌ها، میانگین هر متغیر در داخل هر خوشه است. در واقع، این مراکز ویژگی‌های هر پاسخ‌گوی نوعی برای هر خوشه را انعکاس می‌دهد. مقادیر میانگین متغیرها در خوشه دوم نسبتاً بیش از خوشه دیگر است که بیانگر این است که در خوشه دوم با توجه به نظر افراد نمونه موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی بیشتر از خوشه اول است. بنابراین، با توجه به نتایج آزمون تحلیل خوشه‌ای، آرای پاسخ‌گویان در زمینه موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی به دو دسته موانع با شدت زیاد و موانع با شدت کم تقسیم می‌شود.

جدول ۷. تعیین مرکز خوشه جهت دسته‌بندی افراد نمونه براساس موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی

شاخص‌ها	خوشه‌ها		میزان معناداری
	خوشه اول	خوشه دوم	
موانع محیط اجتماعی و فرهنگی	۲/۲۸	۲/۷۲	۰/۰۰۰
موانع اقتصادی- مالی	۳/۹۲	۴/۶۹	۰/۰۰۰
موانع فردی و شخصیتی	۳/۶۸	۴/۱۳	۰/۰۰۰
موانع نهادی و سازمانی	۴/۱۲	۴/۶۴	۰/۰۰۰
موانع اطلاعاتی و ارتباطی	۴/۲۷	۴/۶۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸



شکل ۲. نمودار شاخص‌های موانع مشارکت
 مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

به‌منظور مقایسه میانگین موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی در دو گروه (نظر گروهی که موانع با شدت زیاد در منطقه مورد مطالعه وجود دارد و نظر گروهی که موانع با شدت کم در منطقه مورد مطالعه وجود دارد)، از آزمون تی دو گروه مستقل استفاده شده است. در این آزمون نخست لازم است برابری واریانس‌ها به کمک آزمون لون (Levene) بررسی شود. بنابراین، در مواردی که میزان معناداری آن بزرگ‌تر از $(Sig > 0.05)$ باشد، آزمون تی با فرض برابری واریانس‌ها و در غیر این صورت آزمون تی با فرض عدم برابری واریانس انجام می‌گیرد (حبیب‌پور گنجابی و صفری شالی، ۱۳۹۴: ۵۴۹). همان‌طور که نتایج آزمون در جدول ۸ نشان می‌دهد، درباره موانع فردی و شخصیتی، موانع نهادی و سازمانی، و موانع اطلاعاتی و ارتباطی عدم برابری واریانس‌ها، و درباره موانع اجتماعی و فرهنگی و موانع اقتصادی- مالی فرض برابری واریانس در نظر گرفته شده است. همچنین، همان‌گونه که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، میانگین افرادی که به نظر آن‌ها موانع با شدت بیشتری در منطقه وجود دارد بیشتر از افرادی است که به نظر آن‌ها موانع با شدت کمتری در منطقه وجود دارد. همچنین، با توجه به میزان معناداری به‌دست‌آمده برای همه موانع که کمتر از ۰.۰۵ است، موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی در هر دو گروه معنادار بوده که بیانگر وجود تفاوت در بین این دو گروه در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. این نتیجه نشان‌دهنده این است که در منطقه مورد مطالعه موانع اقتصادی- مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی، و اطلاعاتی و ارتباطی در سطح بالایی بر مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی مؤثر بوده است.

جدول ۸. مقایسه میانگین موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی

متغیرها	خوشه‌ها	میانگین	انحراف معیار	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means	
				آماره F	میزان معناداری	آماره t	درجه آزادی
موانع اجتماعی و فرهنگی	با شدت کم	۲,۲۸	۰,۱۵	۰,۰۰۳۰	۰,۹۶	-۱۹,۶۸	۱۸۶,۰۰
	با شدت زیاد	۲,۷۲	۰,۱۵				
موانع اقتصادی- مالی	با شدت کم	۳,۹۲	۰,۲۳	۳,۵۶	۰,۰۶	-۱۵,۵۴	۱۸۶,۰۰
	با شدت زیاد	۴,۶۹	۰,۲۵				
موانع فردی و شخصیتی	با شدت کم	۳,۶۸	۰,۱۸	۸,۸۹	۰,۰۰۰	-۱۹,۱۴	۱۸۵,۰۵
	با شدت زیاد	۴,۱۳	۰,۱۴				
موانع نهادی و سازمانی	با شدت کم	۴,۱۳	۰,۱۳	۶,۸۵	۰,۰۱	-۱۹,۶۲	۸۶,۰۲
	با شدت زیاد	۴,۶۴	۰,۱۹				
موانع اطلاعاتی و ارتباطی	با شدت کم	۴,۶۴	۰,۱۵	۶,۲۰	۰,۰۱	۱۸,۴۸	۱۳۱,۸۲
	با شدت زیاد	۴,۲۷	۰,۱۱				

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

در ادامه برای اینکه بدانیم در کدام روستا موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی بیشتر است از مدل واسپاس استفاده شده است. یکی از پارامترهایی که می‌تواند در انتخاب روش تصمیم‌گیری چندمعیاره مورد توجه قرار گیرد میزان دقت این مدل‌هاست. همچنین، محققان پیشنهاد می‌کنند ترکیب دو مدل می‌تواند میزان دقت آن را بالا ببرد. میزان دقت نتایج مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه WSM (مدل جمع وزنی) و مدل WPS (مدل محصول وزنی) نسبتاً به خوبی شناخته شده است. براساس نتایج بررسی‌های محققان، میزان دقت مدل‌های ترکیبی در مقایسه با میزان دقت این مدل‌ها قبل از ترکیب شدن بسیار بالاتر است. یکی از این مدل‌های ترکیبی مدل ارزیابی تولید وزنی تجمعی (WASPAS) است. این مدل می‌تواند در مسائل پیچیده تصمیم‌گیری کارایی بالایی داشته باشد. همچنین، نتایج حاصل از این مدل از دقت بالایی برخوردار باشد.

در ادامه برای تحلیل موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی منطقه مورد مطالعه از مدل waspas استفاده شده است. وزن‌دهی مورد استفاده در این تحلیل مدل آنتروپی است. جدول ۹ وزن و میانگین هر شاخص در روستاهای دهستان بیشه‌سر را به تفکیک موانع مشارکت مردم محلی نشان می‌دهد.

جدول ۹. میانگین شاخص‌های موانع مشارکت به تفکیک روستاها

روستا	موانع اجتماعی و فرهنگی	موانع اقتصادی - مالی	موانع فردی و شخصیتی	موانع نهادی و سازمانی	موانع اطلاعاتی و ارتباطی
بالافراکتی	۲,۴۲	۴,۴۵	۳,۸۲	۴,۴۷	۴,۵۳
پاشاکلافاکتی	۲,۵۰	۴,۵۶	۳,۹۸	۴,۵۸	۴,۵۴
پایین‌افراکتی	۲,۵۲	۴,۶۰	۳,۸۶	۴,۴۵	۴,۴۹
مهدی‌آباد	۲,۵۱	۴,۵۰	۳,۸۴	۴,۵۴	۴,۵۰
پایین لموک	۲,۴۵	۴,۶۷	۳,۹۶	۴,۵۷	۴,۵۵
افراخت	۲,۴۶	۴,۶۴	۳,۹۸	۴,۵۶	۴,۵۴
شیخ رجه	۲,۴۳	۴,۵۲	۳,۸۸	۴,۵۴	۴,۵۷
لهرم تلوک	۲,۴۱	۴,۵۵	۳,۸۳	۴,۵۷	۴,۵۷
وزن	۰,۳۱	۰,۲۴	۰,۳۰	۰,۱۱	۰,۰۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

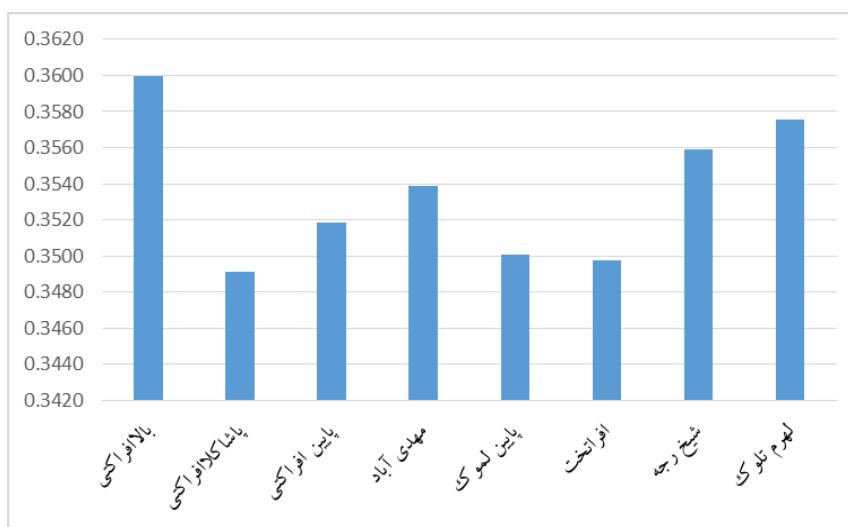
براساس جدول ۱۰، روستاهایی که مقدار ضریب Qi در آن‌ها بالاست موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی در آن‌ها شدیدتر و روستاهایی که مقدار ضریب Qi در آن‌ها پایین‌تر است موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی در آن‌ها کمتر است. بنابراین، بیشترین میزان Qi با ضریب ۰,۳۶۰۰ در روستای بالافراکتی و کمترین میزان Qi با ضریب ۰,۳۴۹۱ در روستای پاشاکلافاکتی مشاهده شده است. در روستای پاشاکلافاکتی به دلیل پایین بودن تعداد جمعیت (۳۶۷ نفر براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵) و عدم مهاجرپذیری، فرهنگ محلی و باورهای سنتی مذهبی در روستا بیشتر حفظ شده است و روستائیان به دلیل وابستگی و شناخت عمیقی که از خود و مدیران روستا دارند علاقه‌مندی و احساس مسئولیت بیشتری به مشارکت در توسعه روستا (از جمله حفظ پاکیزگی محیط اطراف زندگی خود، کاشت گل و درخت در جلوی در منازل، کمک مالی به مسجد، و توسعه امامزاده سید صادق روستا) از خود نشان داده‌اند. اما روستای بالافراکتی در طی سال‌های اخیر به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، شرایط اقلیمی مناسب، و راه دسترسی مناسب شاهد رشد خانه‌های دوم به‌ویژه از مناطقی چون تهران، اصفهان، و سمنان بوده است که انسجام فرهنگی و قومی روستا را، که از عوامل مهم مشارکت است، تحت تأثیر قرار داده است. همچنین، اگرچه ساکنان جدید روستا از وضعیت اقتصادی

بهتری نسبت به خود روستائیان برخوردارند، در جهت توسعه روستا از جمله فعالیت‌های عمرانی آن به دلیل سطح پایین ریسک‌پذیری اقتصادی که ناشی از عدم اعتماد آنان به مدیران روستایی است مشارکت مالی ندارند.

جدول ۱۰. میزان امتیاز حاصل از تحلیل مدل waspas در موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی

رتبه	میزان Qi	میزان λ	روستا
۱	۰٫۳۶۰۰	۰٫۷۳۵۰	بالاافراکتی
۸	۰٫۳۴۹۱	۰٫۷۴۲۱	پاشاکلاافراکتی
۵	۰٫۳۵۱۸	۰٫۷۴۰۹	پایین افراکتی
۴	۰٫۳۵۳۹	۰٫۷۳۹۰	مهدی‌آباد
۶	۰٫۳۵۰۰	۰٫۷۴۰۳	پایین لموک
۷	۰٫۳۴۹۸	۰٫۷۴۱۰	افراتخت
۳	۰٫۳۵۵۹	۰٫۷۳۶۸	شیخ رجه
۲	۰٫۳۵۷۶	۰٫۷۳۴۸	لهرم تلوک

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸



شکل ۳. نمودار نتیجه مدل واس پاس در روستاهای مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

در ادامه برای دسته‌بندی روستاها در زمینه میزان موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی با توجه به خروجی مدل واسپاس از خوشه‌بندی استفاده شده است. براساس جدول ۱۱، مراکز نهایی خوشه‌ها، میانگین هر متغیر در داخل هر خوشه است. درواقع، این مراکز ویژگی‌های هر پاسخ‌گوی نوعی برای هر خوشه را انعکاس می‌دهد. مقادیر میانگین متغیرها در خوشه اول نسبتاً بیش از دو خوشه دیگر است که بیانگر این است که در خوشه اول با توجه به نظر افراد نمونه موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی بیشتر از دو خوشه دیگر است. نتایج جدول ANOVA نشان می‌دهد کدام متغیرها بیشترین نقش را در خوشه‌بندی دارند. نتایج مدل واسپاس در موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی با مقدار $F(21,61)$ در سطح خطای کوچک‌تر از ۰٫۰۱ بیشترین نقش را در جداسازی خوشه‌ها از هم دارد.

همان‌گونه که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود، روستاهای لهرم تلوک و بالاافراکتی در خوشه اول (موانع مشارکت در آن‌ها شدت بیشتری دارد)، روستاهای پاشاکلاافراکتی، پایین لموک، و افراتخت در خوشه دوم (موانع مشارکت در آن‌ها

شدت متوسط دارد)، و روستاهای شیخ رجه، پایین‌افراکتی، و مهدی‌آباد در خوشه سوم (موانع مشارکت در آنها شدت کمتری دارد) قرار دارند.

جدول ۱۱. تعیین مرکز خوشه جهت دسته‌بندی روستاها براساس موانع مشارکت

میزان معناداری	آماره F	خوشه سوم موانع محدود	خوشه دوم موانع متوسط	خوشه اول موانع شدید	میزان Qi واسپاس
۰/۰۰۰	۲۱/۶۱	۰/۳۴۹۶	۰/۳۵۳۹	۰/۳۵۸۸	

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

جدول ۱۲. تحلیل خوشه‌ای روستاهای مورد بررسی براساس نتایج مدل واسپاس در موانع مشارکت

فاصله تا مرکز خوشه	دسته‌بندی روستاها	روستا
۰/۰۰۱۲۱۰		لهرم تلوک
۰/۰۰۱۱۹۰	خوشه اول	بالاافراکتی
۰/۰۰۰۵۳۰		پاشاکلاافراکتی
۰/۰۰۰۳۷۰	خوشه دوم	پایین لموک
۰/۰۰۰۱۷۰		افراتخت
۰/۰۰۲۰۳۰		شیخ رجه
۰/۰۰۲۰۷۰	خوشه سوم	پایین‌افراکتی
۰/۰۰۰۰۳۰		مهدی‌آباد

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

نتیجه‌گیری

مشارکت مردمی در سطوح مختلف یکی از راهبردهای کاهش محرومیت جامعه روستایی در ابعاد مختلف به‌شمار می‌رود. بنابراین، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش آگاهی در ارتباط با حقوق مدنی مردم جهت دخالت در مدیریت روستاها، امور نهادها و دفاع از حقوق مردم روستایی داشته باشد. از آنجا که توسعه روستایی مستلزم وجود نهادهای کارآمد است، برای تحقق اهداف توسعه باید از مناسب‌ترین و مطلوب‌ترین سازمان‌دهی ممکن بهره‌مند باشد. از طرفی، در توسعه روستایی نیز هدف جلب و توسعه مشارکت روستائیان به‌خصوص اقشار محروم‌تر روستایی است که در اغلب برنامه‌های پیشین توسعه به نوعی مورد توجه قرار نمی‌گیرند. از این رو، مشارکت وسیله‌ای برای گسترش و توزیع شرکت در تصمیم‌های اجتماعی و گروهی، کمک به توسعه و بهره‌مند شدن از اثرهای آن است. بنابراین، مشارکت مردمی به‌طور گسترده مستلزم این است که اعضا و افراد ذی‌نفع از قدرت جمعی و مشترک برخوردار باشند. در همین رابطه عنابستانی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که بین عوامل فردی مؤثر بر مشارکت و فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی ارتباط معنادار و ضعیفی وجود دارد. علی‌بیگی و خانی (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که در مؤلفه‌های مشارکت سنتی - اجتماعی از مجموع شش شاخص مورد بررسی، پنج شاخص رابطه معناداری با توسعه روستایی نداشتند. جوما (۲۰۰۵) به این نتیجه رسید که روش برنامه‌ریزی از مرکز به پایین اثرهای اندکی در توسعه روستایی داشته است. کاکومبا (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که استراتژی‌های توسعه‌ای دولت مرکزی باید از مشارکت بهره‌جوید تا مالکیت و توانمندی بالایی به‌دست آورند. همچنین، چتری (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیده است که هدف از مشارکت به‌دست آوردن شتاب در فرایند توانمندسازی انسان و همچنین شرط ضروری برای توسعه است. از این رو، با توجه به نتایج تحقیقات بررسی‌شده در رابطه با موانع مشارکت مردم محلی براساس شاخص‌های تحقیق، نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای میانگین محاسبه‌شده موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی با میانگین فرضی (۳) سنجش شد و نشان داد میانگین واقعی نظر

کل پاسخ‌گویان در موانع اقتصادی- مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی، و اطلاعاتی و ارتباطی از ۳ بزرگ‌تر و در حد متوسط به بالاست و با توجه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. براساس مراکز نهایی خوشه‌ها، مقادیر میانگین متغیرها در خوشه دوم نسبتاً بیش از خوشه دیگر است که بیانگر این است که در خوشه دوم با توجه به نظر افراد نمونه موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی بیشتر از خوشه اول است. نتایج جدول ANOVA نشان داد که کدام متغیرها بیشترین نقش را در خوشه‌بندی دارند. بنابراین، میزان معناداری موانع محیط اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی- مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی، و اطلاعاتی و ارتباطی با سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ بیشترین نقش را در جداسازی خوشه‌ها از هم دارد. بنابراین، نظر پاسخ‌گویان به دو دسته زیاد و کم تقسیم شد. نتایج خروجی مدل WASPAS نشان داد روستاهایی که مقدار ضریب Qi در آن‌ها بالاست موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی در آن‌ها شدیدتر و روستاهایی که مقدار ضریب Qi در آن‌ها پایین‌تر است موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی در آن‌ها کمتر است. بنابراین، بیشترین میزان Qi با ضریب ۰/۳۶۰۰ در روستای بالافراکتی و کمترین میزان Qi با ضریب ۰/۳۴۹۱ در روستای پاشاکالافراکتی مشاهده شده است. بنابراین، در زیر به معرفی هر کدام از موانع پرداخته و راهکارهایی در جهت برون‌رفت از آن‌ها آورده شده است.

۱. موانع اقتصادی- مالی

از منظر اقتصادی، عدم استقلال مالی و اقتصادی، پایین‌بودن سطح ریسک‌پذیری اقتصادی، و پایین‌بودن حقوق و مزایای مردم محلی، نبود نگرش کارآفرینی بین مردم و دستگاه‌های اجرایی و عدم اطلاعات به‌روز در خصوص پیشرفت‌های علوم و فنون تولیدات مرتبط با کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن از عمده‌ترین موانع توسعه اقتصاد روستایی محسوب می‌شود و از آنجا که میزان اثرگذاری اقتصادی- مالی بر مشارکت اجتماعی مردم محلی نقش تعیین‌کننده در بسترسازی مشارکت و تمایل آنان برای مشارکت در اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی دارد، کارشناسان توسعه اقتصادی بر آن‌اند که تقویت بنیان‌های اقتصادی روستا با محوریت فعال‌سازی چرخه تولید در فضاهای روستایی و ایجاد اشتغال و کارآفرینی می‌تواند مسیر توسعه روستایی را هموارتر کند. در راستای برنامه‌ریزی و تقویت اقتصاد روستایی باید با توجه به استعدادها و ظرفیت‌های بومی و محیطی و قابلیت محلی- اقتصادی هر منطقه، با مشارکت نیروهای محلی، بهره‌گیری از تسهیلات بانکی، حمایت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی در روستاها را تهیه و اجرایی کرد.

۲. موانع فردی و شخصیتی

با توجه به اهمیت نقش منابع انسانی در فرایند توسعه پایدار و اینکه زنان و مردان با هم منابع انسانی سازمان‌ها را می‌سازند، می‌توان گفت که افراد در افزایش بهره‌وری و توسعه اجتماعی و اقتصادی روستا نقشی بنیادی دارند. موانع فردی و شخصیتی افراد می‌تواند باعث کاهش سطح ریسک‌پذیری مدیریتی مردم محلی، علاقه‌مندی پایین مردم محلی به پذیرش توسعه، پایین‌بودن اعتماد به نفس، نداشتن اقتدار مدیریتی در بحث‌های توسعه، نداشتن دوراندیشی شغلی (آینده‌نگری)، و پایین‌بودن انگیزه افراد در کارهای اجرایی در توسعه روستایی شود. بنابراین، برای برون‌رفت از این معیار نیاز است که بسترهای لازم برای رفع موانع فردی در مناطق روستایی فراهم شود.

۳. موانع نهادی و سازمانی

معیارهای نهادی و سازمانی که روی ساختار توسعه روستایی تمرکز دارد باید با ایجاد ارتباط مؤثر و قوی میان انجمن‌ها و تعاونی‌های روستایی از طریق تعیین استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های راهبردی در راستای توسعه روستایی و افزایش قدرت مشارکتی روستائیان گام بردارد. از طرفی، ساختار منسجم مدیران محلی نیز نقش هدایتگر، ارشادی، و ترویج روستایی را

در سطح محلی ارائه دهد تا زمینه مشارکت همه کنشگران ذی‌نفع در توسعه روستایی فراهم شود. همچنین، تغییر دیدگاه سازمان و نهادهای دولتی در نحوه مشارکت مردم محلی برای بهبود روند آن مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، می‌توان با ایجاد گروه‌های پیشرو در زمینه‌های گوناگون مرتبط با طرح‌ها و پروژه‌ها برای آگاه‌سازی مردم از روند توسعه روستایی که در خوشه‌های پایین قرار دارند بسترسازی کرد.

۴. موانع اطلاعاتی و ارتباطی

موانع گوناگونی بر راه اشاعه اطلاعات در مناطق روستایی در کشور ایران وجود دارد که موجب کندی روند رشد و توسعه اطلاعات می‌شود که از جمله می‌توان به پایین بودن آگاهی و معلومات مردم محلی از نظر اجتماعی و مسائل جاری روستا، پایین بودن آگاهی و معلومات مردم محلی از نظر علمی، حرفه‌ای، تخصصی و اجرایی، نداشتن مهارت‌های ارتباط شغلی (بحث و مذاکره، رفع تعارض، اداره جلسات)، ضعف شبکه‌های اطلاع‌رسانی در بخش اجرای طرح‌ها و ضعف در پذیرش چالش‌های روابط فراساختاری شرایط مدیریتی (مانند نداشتن وابستگی‌های سیاسی، گرایش فکری، انجمن‌های اجتماعی) اشاره کرد. بنابراین، برای برون‌رفت از این موانع نیاز است که اقدام منطقی و عقلانی در تقویت اطلاع‌رسانی از طریق آموزش انجام گیرد که می‌تواند قدرت مواجهه انسان را بالا برد و انسان را طوری آموزش دهد که به سرعت خود را با تغییرات مداوم انطباق دهد و با ایجاد تحول در بینش، دانش، نگرش، و افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی آنان را به صورت فعال و اثرگذار برای مواجهه با تحولات و تغییرات توسعه روستایی آماده کند.

۵. موانع اجتماعی و فرهنگی

درک و حساسیت نسبت به موانع فرهنگی افراد را از مشارکت بازمی‌دارد. مثلاً ناآگاهی انسان از مفهوم مشارکت در طرح‌های توسعه روستایی و عدم شناخت و درک از محیط بیرون باعث می‌شود که انسان نتواند در کارها همفکری کند. در این معیار شاخص‌های چون محلی‌بودن، باورهای سنتی مذهبی، حاکمیت فرهنگ مردم محلی از جمله موانع فرهنگی در نظر گرفته شده است. بنابراین، برای برون‌رفت از این مانع در روستاهای مورد مطالعه نیازمند رویکردهای ارتباطی از طریق مشارکت، تمرکززدایی، و آموزش است که بتواند جایگاه بهتری در توسعه روستاها پیدا کند. بنابراین، از طریق مشارکت نهادها و دستگاه‌های مختلف می‌توان به جنبه‌های راهبردی توسعه روستایی کمک کرد. از طرفی دیگر، به ایجاد نهادهای مشارکتی برای توسعه روستایی در مناطق مختلف با هدف برداشتن موانع فرهنگی و اجتماعی توجه اساسی شود. همچنین، برای ارتقای فرهنگی جامعه به سوی پذیرش مشارکت همه‌جانبه مردمی در فرایند توسعه روستایی به‌ویژه در روستاهای مهدی‌آباد، پایین‌افراکتی و شیخ رجه که در سطح خیلی پایین از مشارکت محلی قرار دارند بسترسازی شود.

بنابراین، در کل می‌توان بیان کرد که با توجه به مسائل و مشکلات مطرح‌شده، دستیابی به توسعه روستایی مستلزم مشارکت در سطح محلی است و شعار جهانی «بیندیش و محلی عمل کن» شعار اصلی برای رسیدن به توسعه است. در این راستا توسعه روستایی مستلزم مشارکت همه ذی‌نفعان توسعه روستایی است. بنابراین، نظام مشارکت توسعه روستایی باید به گونه‌ای طراحی شود که حجم گسترده‌ای از مشارکت را در کلیه سطوح دارا باشد. از دیگر راهبردهایی که می‌توان در مناطق روستایی ارائه کرد ترویج آموزش مشارکت در سطح محلی (روستایی) است که لازمه آن اتخاذ سیاست‌هایی برای افزایش آگاهی در بین همه کنشگران ذی‌نفع در راستای ارتقای مسئولیت مردم در خصوص حفظ فرهنگ و افزایش اطلاع‌رسانی فردی و شخصیتی در مسیر توسعه روستایی محلی است که آن هم مستلزم روابط تعاملی جدید در درون جامعه و در نتیجه هدایت همیارانه، تولید همیارانه، مدیریت همیارانه، و مشارکت‌های دولتی - خصوصی محلی است.

منابع

۱. آفتاب، احمد؛ مفرح، مجتبی و مجنون، علی، ۱۳۹۵، بررسی نقش نشاط اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان در طرح‌های توسعه روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان بناجوی شرقی شهرستان بناب، فصل‌نامه جغرافیا/برنامه‌ریزی منطقه‌ای، س ۷، ش ۱، صص ۱۶۱-۱۷۵.
۲. اسدی، زینب؛ پوررمضان، عیسی و مولایی هاشمین، نصرالله، ۱۳۹۵، نقش مشارکت در توسعه روستایی بخش خشکبیجار شهرستان رشت، فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، س ۵، ش ۱۵، صص ۶۱-۸۲.
۳. ابراهیم‌زاده، عیسی، ۱۳۷۷، مدیریت مشارکتی شوراهای اسلامی و نظام مدیریت روستایی در ایران، مجله پژوهش علوم انسانی، س ۳۰، ش ۲، صص ۱-۱۸.
۴. برقی، حمید؛ قنبری، یوسف و سعیدی، محمد، ۱۳۹۲، بررسی عملکرد شوراهای اسلامی روستا و میزان مشارکت مردم در توسعه روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان حسین‌آباد شهرستان نجف‌آباد، فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، س ۲، ش ۲، صص ۱۱۹-۱۳۸.
۵. حبیب‌پور گنابی، کرم و صفری شالی، رضا، ۱۳۹۴، راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)، تهران: لویه.
۶. دفتر آمار و اطلاعات استانداری استان مازندران، ۱۳۹۸.
۷. رومیانی، احمد؛ عنابستانی، علی‌اکبر و هادی‌پور، مرضیه، ۱۳۹۷، بررسی نگرش روستائیان به مقوله مشارکت در روستاها با هدف کاهش محرومیت در شهرستان رومشگان، فصل‌نامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، س ۸، ش ۲۶، صص ۶۳-۹۰.
۸. سرور، رحیم؛ موسوی، میرنجم و دانیالی، تهیمیه، ۱۳۹۰، رابطه مشارکت محلی و توسعه روستایی در شهرستان میانداوب؛ مطالعه موردی: بخش مرحمت‌آباد، فصل‌نامه روستا و توسعه، س ۱۴، ش ۲، صص ۱۱۷-۱۳۷.
۹. سروستانی، مسلم؛ پروین، ابراهیم؛ بقایی، حمید و کردانی، محمد، ۱۳۹۱، بررسی نقش و اهمیت مشارکت جوامع روستایی در طرح‌های توسعه نواحی روستایی؛ مطالعه موردی: پروژه آبیاری میاناب شوستر، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه روستایی، صص ۱-۸.
۱۰. شایان، حمید؛ تقی‌لو، علی‌اکبر و عنابستانی، علی‌اکبر، ۱۳۹۰، بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده مشارکت مردم در توسعه روستایی با تأکید بر روش تفکر عقلانی؛ نمونه موردی: دهستان سنبل‌آباد، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، س ۱۶، ش ۳۸، صص ۷۵-۱۰۰.
۱۱. علوی‌تبار، علیرضا، ۱۳۸۲، مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، ج ۱، انتشارات وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
۱۲. علی‌بیگی، جواد و خانی، فضیله، ۱۳۹۴، بررسی رابطه مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی؛ نمونه موردی: شهرستان‌های سیروان و چرداول، فصل‌نامه فرهنگ ایلام، دوره ۱۶، ش ۴۸ و ۴۹، صص ۲۸-۴۸.
۱۳. عنابستانی، علی‌اکبر، ۱۳۹۲، بررسی عوامل فردی مؤثر بر مشارکت روستائیان در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی؛ مطالعه موردی: شهرستان خواف، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، س ۱۱، ش ۲۱، صص ۱۹۷-۲۲۲.
۱۴. لاهیجانیان، اکرم‌الملوک و شیعه‌بیک، شادی، ۱۳۹۴، بررسی موانع مشارکت اجتماعی شهروندان در محیط زیست شهری با استفاده از روش SWOT و ارائه راهکارهای مناسب جهت ارتقای پایدار محیط زیست، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، س ۱۷، ش ۴، صص ۱۴۵-۱۶۴.
۱۵. میرک‌زاده، علی‌اصغر، علی‌آبادی، وحید و شمس، علی، ۱۳۸۹، واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی، فصل‌نامه روستا و توسعه، س ۱۳، ش ۲، صص ۱۴۷-۱۶۵.
۱۶. نوروزی، نادر؛ صارمی، امین و صالحی توپسرکانی، فضل‌الله، ۱۳۸۷، موانع و مشکلات جلب مشارکت‌های مردمی در کلاتری‌های شمال شرق تهران، فصل‌نامه مطالعات مدیریت انتظامی، س ۳، ش ۱، صص ۹۴-۱۰۲.
۱۷. یزادن‌پناه، لیلا، ۱۳۸۶، موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۷، ش ۲۶، صص ۱۰۵-۱۳۰.

18. Aftab, A.; Mofareh, M. and Majnoony, A., 2017, Survey the role of social vitality of rural participation in rural development projects, Case Study: Bonab county- Northern Bonajoe, *Quarterly of Geography(Regional Planning)*, Vol. 7, No. 1, PP. 161-175.
19. Arnstein SR (1969). *A Ladder of Citizen Participation*, Journal of the American Institute of Planners, 35(4): 216-224
20. Alavi Tabar, A.R., 2003, *Participate in the administration of urban affairs: Investigating the pattern of citizen participation in managing cities (World and Iranian experiences)*, Vol. 1, Municipalities Organization, Urban Planning Studies Center Publications.
21. Alibeygi, A. and Khani, F., 2016, Explore the relationship between public participation and rural development, Case Study: Sirvan and Chardavol counties, *Ilam Culture*, Vol. 16, No. 48, 49, PP. 28-48.
22. Allahdadi, F., 2011, The level of local participation in rural cooperatives in rural areas of Marvdasht, Iran, *Life Science Journal*, Vol. 8, No. 3, PP. 59-62.
23. Anabestani, A.A., 2013, Personal personal factors affecting rural settlers' participation in rural guidance plans, A Case Study: Khaf county, *Journal of Geography and Regional Development*, Vol. 11, No. 21, PP. 197-222.
24. Asadi, Z.; Pour Ramazan, I. and Mawlai Hashjin, N., 2016, The role of participation in rural development in Khoshk-e Bijar district, Rasht county, *Journal Space Economy & Rural Development*, Vol. 5, No. 15, PP. 61-82.
25. Bahuguna, R. and Pandey, A.C., 2016, Community participation in management of rural development programmes in Uttarakhand-India a case of Mmnrega, *International Journal of Management and Social Science Research Review*, Vol. 1, No. 26, PP. 10-14.
26. Barghi, H.; Ghanbari, Y. and Saeedi, M., 2013, Investigation of Islamic rural council's and degree of community participation in rural development, Case: Hossainabad in Najafabad, *Journal Space Economy & Rural Development*, Vol. 2, No. 2, PP. 119-138.
27. Brown, L and Chikagbum, W., 2017, Community participation: Panacea for rural development programmes in Rivers State, Nigeria, *Asian Journal of Environment & Ecology*, Vol. 3, No. 1, PP. 1-13.
28. Chetri, D.P., 2013, People's participation in development: Sikkim in perspective, *International Journal of Innovative Research and Development*, Vol. 2, No. 5, PP. 1447-1797.
29. Chifamba, E., 2013, Confronting the challenges and barriers to community participation in rural development initiatives in Duhura district, ward 12 Zimbabwe, International, *Journal Current Research and Academic Review*, Vol. 1, No. 2, PP. 1-19.
30. Dary, S.K. and Kuunibe, N., 2012, Participation in rural Non- Farm economic activities in Ghana, *American International Journal of Contemporary Research*, Vol. 2, No. 8, PP. 154-161.
31. Ebrahimzadeh, I., 1998, Participatory management of Islamic councils and rural management system in Iran, *Research Journal in Humanities*, Vol. 30, No. 2, PP. 1-18.
32. Fageha, M.K. and Aibinu, A.A., 2013, Managing project scope definition to improve stakeholders' participation and enhance project outcome, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 74, No. 29, PP. 154-164.
33. Fariborz, A., & Redzuan, M. R. (2009). Community leaders' perceptions toward tourism impacts and level of community capacity building in tourism development. *Journal of Sustainable Development*, 2(3), 208-213.
34. Habibpour Gatabi, K. and Safari Shali, R., 2015, *Comprehensive Manual for Using SPSS in Survey Researches*, Tehran: Loya Publications.
35. Hillery, G.A., 1955, Definitions of community: Areas of agreement, *Rural Sociology*, Vol. 20, No. 3, PP. 111-123.

36. Juma, P., 2005, *The role of community participation in the district focus for rural development planning strategy: A case study of Busia district kenya*, Master of Arts Thesis, Deptment of Geography, University of Nairobi.
37. Kakumba, U., 2010, Local government citizen participation and rural development: reflections on Uganda's decentralization system. *International Review of Administrative Sciences*, Vol. 76, No. 1, PP. 171-186.
38. Kilewo, E.G. and Frumence, G., 2015, Factors that hinder community participation in developing and implementing comprehensive council health plans in Manyoni District, Tanzania. *Global Health Action*, Vol. 8, No. 1, PP. 2-10.
39. Lahijanjan, A. and Shiehbeiki, Sh., 2016, Barriers of social participation of citizens in urban environment using the SWOT method and approaches for improving environmental sustainability, *Journal of Environmental Science and Technology*, Vol. 17, No. 4, PP.145-164.
40. Mansuri, G. and Rao, V., 2012, *Can Participation be Induced? Some Evidence from Developing Countries*, World Bank Publications.
41. Mawdsley, E., 2015, DFID, the private sector and the Re-centring of an economic growth Agenda in international development. *Global Society*, Vol. 29. No. 3, PP. 339-358.
42. Mirkazadeh, A.A.; Ali Abadi, V. and Shams, A., 2010, An examination of the barriers to female villagers participation in training and extension programs, *Village and Development*, Vol. 13, No. 2, PP. 147-165.
43. Misra, R.P., 2005, Development and parthnership, *Journal of Rural Development*, Vol. 24, No. 4, PP. 19-32.
44. Mubita, A.; Libati, M. and Mulonda, M., 2017, The importance and limitations of participation in development projects and programmes, *European Journal of Scientific Research*, Vol. 13, No. 5, PP. 238-251.
45. Neumeier, S., 2012, *Why do social innovations in rural development matter and should they be considered more seriously in rural development research? –Proposal for a stronger focus on social innovations in rural development research*, *Sociologia Ruralis*, Vol. 52, No.1, PP. 48-69.
46. Njoh, A.J., 2001, *Municipal councils, international NGOs and citizen participation in Public Infrastructure development in rural settlements Cameroon*, *Habitat International*, Vol. 35, No. 1, PP. 101-110.
47. Norouzi, N.; Amin Saremi, A. and Salehi Toiserkani, F., 2008, Obstacles and problems of public participation in North East counties of Tehran, *Police Management Studies Quarterly*, Vol. 3, No. 1, PP. 94-102.
48. Nour, A.M., 2011, Challenges and advantages of community participation as an approach for sustainable urban development in Egypt. *Journal of Sustainable Development*, Vol. 4, No. 1, PP. 23-36.
49. Office of Statistics and Information of the Governor of Mazandaran Province, 2019.
50. Ofuoku, A. U., 2011, Effect of community participation on sustainability of rural water projects in Delta central agricultural zone of Delta state, *Nigeria. Journal of Agricultural Extension and Rural Development*, Vol. 3, No. 7, PP. 130-136.
51. Oni, S.S., 2015, Community participation in rural development: Catalyst for sustainable development efforts, *Proceedings of 2nd International Conference on Education and Social Sciences*, Istanbul, Turkey, PP. 1078-1086.
52. Preston, R.; Waugh, H.; Taylor, J. and Larkins, S., 2009, The benefits of community participation in rural health service development: where is the evidence?, *Proceedings of 10th National Rural Health Conference*, PP. 1-20.

53. Reed, M.S., 2008, Stakeholder participation for environmental management: A literature review, *Biological Conservation*, Vol. 141, No. 10, PP. 2417- 2431.
54. Roumiani, A.; Anabestani, A. A. and Hadi Pour, M., 2018, Surveying the villagers' attitudes toward participation in villages with the aim of reducing deprivation in Romeshgan township, *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, Vol. 8, No.26, PP. 63-90.
55. Sarvestani, M.; Parvin, E.; Baqaei, H. and Kordani, M., 2012, Investigating the role and importance of rural community participation in rural development plans, Case Study: Mianab Shushtar irrigation Project, *Proceedings of the National Conference Rural Development*, PP. 1-8.
56. Shayan, H.; Taghilo, A.A. and Anabestani, A.A., 2012, Analysis of preventing factors of peoples' participation in rural development with an emphasis on rational thinking method, Case study: district of Sonbolabad, *Journal of Geography and Planning*, Vol. 16, No. 38, PP. 75-100.
57. Sirisrisak, T., 2009, Conservation of Bangkok old town, *Habitat International*, Vol. 33, No. 4, PP. 405-411.
58. Skinner, S., 1997, *Building Community Strengths: A Resource Book on Capacity Building*, Community Development Foundation Publications.
59. Sorour, R.; Mousavi, M. and Daniali, T., 2012, The relationship of local partnerships and rural development in Miandoab county, Case Study: Marhamatabad district, *Village and Development*, Vol. 14, No. 2, PP. 117-137.
60. Stefano, L.D., 2010, Facing the water framework directive challenges: A baseline of stakeholder participation in the European Union, *Journal of Environmental Management*, Vol. 91, No. 6, PP. 1332-1340.
61. Yazdanpanah, L., 2007, Obstacles to social participation of Tehran citizens, *Sociai Welfare Quarterly*, Vol. 7, No. 26, PP. 105-130.